

صدوده حکایت شیرین

طیفه‌های برگزیده در ۱۲ موضوع

سید مصطفی ذاکری

فهرست

آغاز سخن..... ۱۳

فصل اول: لطایف توحیدی

۱. فضولی شیطان..... ۱۹

۲. دزد و باغبان..... ۲۰

۳. بنده پروری..... ۲۲

۴. کریم کیست؟..... ۲۴

۵. خدا و حضرت عباس..... ۲۶

۶. عقیده تثلیث..... ۲۸

۷. دلیل توحید..... ۳۰

۸. شکر خدا..... ۳۲

۹. اختلاف با خدا..... ۳۴

۱۰. دندانساز..... ۳۶



فصل دوم: لطایف قرآنی

۱۱. مزاح پیامبر اکرم (ﷺ) ۴۱
۱۲. مقام علما ۴۳
۱۳. حمالة الحطب ۴۵
۱۴. پاسخ قرآنی ۴۶
۱۵. بحث و مناظره ۴۸
۱۶. جالت ۵۰
۱۷. فراموشی آن ۵۲
۱۸. دعای قرآنی ۵۴
۱۹. سوره‌های تین و فیل ۵۶
۲۰. حاضر جوابی ۵۸

فصل سوم: لطایف امامت

۲۱. فرزند یا مادر فرزند؟ ۶۳
۲۲. پاسخ جالب ۶۵
۲۳. مناظره ۶۷
۲۴. ایهام یا جواب دو پهلوی ۷۰
۲۵. عقیل و معاویه ۷۳
- پاسخ استدلال ۷۳



لعنت	۷۴
شهوة	۷۵
سابقه خراب	۷۵
۲۶. بازی در نقش علی علیه السلام	۷۷
۲۷. ابوبکر در قم	۷۹
۲۸. پرسش و پاسخ	۸۱
۲۹. عنایت رضوی	۸۲
۳۰. راننده خوب	۸۴

فصل چهارم لطایف علما

۳۱. مهارت	۸۹
۳۲. شهادت	۹۱
۳۳. نتیجه مذاکرات	۹۳
۳۴. شوخی علما	۹۵
۳۵. فراست	۹۷
۳۶. نجات یوسف علیه السلام از چاه	۹۹
۳۷. دعا برای صاحب مجلس	۱۰۱
۳۸. خواب پای منبر	۱۰۳
۳۹. غلط می‌کنی که نمی‌فهمی!	۱۰۵
۴۰. تأثیر الفاظ	۱۰۷

فصل پنجم: لطایف زیرکان

۴۱. شریک و معاویه ۱۱۱
۴۲. دفع فتنه ۱۱۳
۴۳. عدالت ۱۱۵
۴۴. توطئه ۱۱۷
۴۵. محکوم شدن مسیحی ۱۲۰
۴۶. رسوائی خیال ۱۲۲
۴۷. چاره جویی ۱۲۵
۴۸. امتیاز منفی ۱۲۷
۴۹. تنبیه دزد ۱۲۸
۵۰. اشتباه ۱۳۰

فصل ششم: لطایف زنان

۵۱. نشانه محبت ۱۳۵
۵۲. زیباترین کودک ۱۳۶
۵۳. آرزوها ۱۳۷
۵۴. خواستگاری ۱۳۹
۵۵. خانم مسن ۱۴۰
۵۶. همسر سالخورده ۱۴۲



۵۷ . زن ابلیس	۱۴۴
۵۸ . مادر شیطان	۱۴۶
۵۹ . دزدی عجیب	۱۴۷
۶۰ . پیری و ازدواج	۱۴۹

فصل هفتم: لطایف پزشکان و بیماران

۶۱ . گواهینامه پزشکی	۱۵۳
۶۲ . طبابت	۱۵۵
۶۳ . احسان و محبت	۱۵۶
۶۴ . راهنمایی	۱۵۸
۶۵ . لطایف کوتاه پزشکی	۱۶۰
۶۶ . معالجه	۱۶۲
۶۷ . کر و بیمار	۱۶۳
۶۸ . حق همسایه	۱۶۴
۶۹ . لکنت زبان	۱۶۵
۷۰ . لطایف کوتاه بیماران	۱۶۷

فصل هشتم: لطایف شاهان و سران کشورها

۷۱ . عقل شاه	۱۷۱
۷۲ . شاه و سرباز	۱۷۲

۱۷۴	۷۳. پاسخ مناسب.....
۱۷۵	۷۴. خربزه فروش.....
۱۷۶	۷۵. باغ وحش.....
۱۷۸	۷۶. قانون شاهانه.....
۱۸۱	۷۷. فال حافظ.....
۱۸۳	۷۸. ابراز احساسات.....
۱۸۵	۷۹. انتظار.....
۱۸۶	۸۰. سرای شور.....
۱۸۶	استالین.....
۱۸۶	خروشچف.....
۱۸۷	برژنف.....

فصل نهم: لطایف ابلهان

۱۹۱	۸۱. شهردار بی سواد.....
۱۹۲	۸۲. غلام و ارباب.....
۱۹۴	۸۳. در خیبر.....
۱۹۵	۸۴. مجلس فاتحه.....
۱۹۶	۸۵. سادگی.....
۱۹۷	۸۶. خودباختگی.....
۱۹۸	۸۷. عادت.....

۲۰۰	 روسفیدی	۸۸
۲۰۲	 مقایسه	۸۹
۲۰۴	 دزدان شهر	۹۰

فصل دهم: لطایف شاعران

۲۰۹	 تلافی مزاح	۹۱
۲۱۱	 نقشه ماهرانه	۹۲
۲۱۳	 شوخی شعرا	۹۳
۲۱۴	 معرفی شاعر	۹۴
۲۱۵	 چه بخوانم؟	۹۵

فصل یازدهم: لطایف درازنجان

۲۱۹	 دستور خلیفه	۹۶
۲۲۱	 سخن راست	۹۷
۲۲۲	 چند لطیفه از بهلول	۹۸
۲۲۲	 نصیحت	
۲۲۲	 روش خبر دادن	
۲۲۳	 آرایشگاه	
۲۲۳	 درهای بهشت	
۲۲۴	 ازدواج	۹۹

۱۰۰. لطیفه‌های کوتاه دیوانگان ۲۲۵

نماز سریع ۲۲۵

تاریخ تولد ۲۲۵

عالم دیوانگی ۲۲۵

نهی از منکر ۲۲۶

سنت الهی ۲۲۶

سخن عاقلانه ۲۲۶

فصل دوازدهم: لطایف گوناگون

۱۰۱. لعن یزید ۲۲۹

۱۰۲. حاجی یا کربلانی؟ ۲۳۱

۱۰۳. خانه داری ۲۳۳

۱۰۴. امیر و وزیر ۲۳۵

۱۰۵. مجلس تودیع ۲۳۷

۱۰۶. پیشگوئی ۲۳۸

۱۰۷. گریه ۲۳۹

۱۰۸. شمافنگ ۲۴۱

۱۰۹. شکایت ۲۴۲

۱۱۰. تعویض جلاّد ۲۴۴

منابع ۲۴۵

آغاز سخن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿قُلْ يَقْنِطُ اللَّهُ وَرَحْمَتُهُ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾

ای پیامبر! بگو مردم باین به فضل و رحمت خدا خوشحال شوند
(زیرا این شادی از تمام دنیا) آنچه گردآوری کرده‌اند بهتر است.^۱

در روایات معصومین علیهم‌السلام به شاد و مسرور کردن مؤمنین
سفارش شده است. برای شاد کردن مردم راه‌های متعددی وجود
دارد: از آن جمله می‌توان با احسان و محبت، دید و بازدید،
برآوردن حاجت، رفع گرفتاری و مشکلات و... بندگان خدا را
خوشحال نمود. یکی از آن راه‌ها، خوشروئی و استفاده از لطیفه و
طنز، همچنین مزاح معقول و صحیح است.

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

«مؤمن مؤمن الایه دعابة قلت و ما الدعابة؟ قال المزاح»^۱

هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه در او «دعابه» است. راوی می گوید:

عرض کردم: دعابه چیست؟ فرمود: مزاح.

در سیره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز آمده است که با بعضی از

اصحاب مزاح نموده و می فرمود:

اننی لامزح و لا اقول الا حقا»^۲

من مزاح می کنم و جز سخن حق نمی گویم.

درباره این حدیث چنین گفته اند:

«این حدیث دلیل است بر آنکه اگر کسی در مزاح به سخن راست

مردم را بخنداند باقی نیست و آنچه در روایت وارد شده که

مجادله و مزاح مکن، مراد آن است که در مزاح مبالغه مکن و آن را

صفت و عادت خود مساز، چه مزاح دائم سبب خنده بسیار است و

آن موجب سختی دل و غفلت است از ذکر خدای تعالی ... اما

آنچه از این امور سالم بود جایز بود بلکه مستحب است زیرا که

موجب تفریح قلوب و تطیب نفوس اخوان و سبب انس و الفت و

مهر و محبت دوستان است»^۳

۱. سفینة البحار (حاج شیخ عباس قمی)، ج ۱، ص ۴۴۵.

۲. همان، ج ۲، حاشیه صفحه ۵۳۸.

۳. لطائف الطوائف، (فخر الدین علی صفی)، ص ۸.

از طرف دیگر انسان بر اثر عوامل گوناگون دچار خستگی و ملالت و افسردگی می‌شود. یکی از وسایل برطرف کردن این حالت استفاده از لطایف و طنز است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَاذْبَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ؛
این دل‌ها همانند بدن‌ها خسته می‌شوند برای رفع خستگی آنها از حکمت‌ها و دانش‌های شگفت استفاده کنید.

علاوه بر آن در قالب لطیفه می‌توان بعضی از نکات آموزنده را به دیگران تعلیم داد، همان‌که گفته‌اند:
چو حق تلخ است با شیرین نماند

حکایت سردهم آن‌سان که دانی

در راستای این اهداف، قبلاً لطایف متعددی از کتاب‌های مختلف جمع‌آوری گردید و در مجموعه‌ای با عنوان منتخب اللطائف (صد و ده لطیفه) به چاپ رسید. با توجه به استقبال علاقه‌مندان اینک جلد دوم آن کتاب منتشر می‌گردد. امید است این لطیفه‌ها برای تحقق اهداف یاد شده (یعنی خوشروئی، رفع خستگی و آموزش نکات تربیتی) مفید و مؤثر باشد.

لازم به یادآوری است که در این کتاب چند لطیفه از جلد اول

نقل شده و در بعضی از لطایف ویرایش و تغییر مختصری صورت گرفته است.

از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهیم که خطاها و اشتباهات ما را عفو فرماید و ما را از متمسکین به این دعای قرآنی قرار دهد:

﴿ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴾^۱

سید مصطفی ذاکری

بهار ۱۳۹۳